

## بازشناسی یک پندار

### زنان در اسلام

زنان در جهان امروز - بعنوان نیمی از جامعه بشری - سخت در تلاش احقاق حقوق پایمال شده خویشند. آنان با حضور گسترده اجتماعی در همه عرصه ها میکوشند آنچه را که به عناوین مختلف از آنان سلب شده بازکسب نمایند. امروز آنان با الگوگیری از حقوق مترقی بشر - حقوقی که برآمده از نیازها و برآورده نیازهای زن معاصر است - پیکاری را پیش ببرند که هزاران سال از سوی تولید کنندگان و حافظین (بازتولید کنندگان) نظامهای مردسالارانه - و ادیان - به تعویق و به پس رانده شدند.

از میان ادیان اسلام جایگاه ویژه ای دارد. دین اسلام بعنوان برجسته ترین نمونه زن ستیزی و آزادی ستیزی تا کنون از روشهایی سود جسته است که به ادامه حیات آن انجامیده که میتوان از این چند مورد نام برد:

### ۱- نقد ستیزی و نقد گریزی

صفتی که ذاتی اسلامند و پیرو آنها یک مسلمان به هنگام رشد می آموزد که هیچگاه سؤال نکند! یا بقولی دیگر

### ۲- محرومیت از حق تفکر

در قرآن نمونه های بسیاری دال بر اینکه "در کار خدا و پیغمبر خدا شک نکنید" به وفور یافت میشود و علاوه بر آن تهدیدهایی هستند که کافران و بازگشتگان از دین (ملحدان) را هدف میگیرد. بدین خاطر یک مسلمان واقعی حتی بخود اجازه خواندن دقیق قرآن - ترجمه فارسی و نه عربی - را نمیدهد چه رسد به اینکه بخواند خیل عظیم مشگل سازهایی لاینحل دین اسلام را ریشه یابی کند. از مجموعه این دو معیار اساسی کسانی متولد میشوند بنام باز تولید کنندگان یا فرمیستهای اسلامی که با پیچاندن مطالب اصولی اسلام و تلاش بقصد قابل هضم کردن مصارف غیر اصولی آن پایان عمرش را به عقب می اندازند. با توضیح این واقعیت که چه کسان - روشنفکران - خارج از حیطه دین اسلام حرفی برای گفتن ندارند و با علم به اینکه آنان نیز سخت به دو معیار یاد شده پایبندند در اینجا به اختصار به نقاط اشتراک آنان با اصول گرایان اسلامی در رابطه با "مسئله" زن میپردازیم. نمونه های که خواهیم آورد از بین معتبرترین متون و از شاخص ترین افراد انتخاب شده اند تا جای هیچگونه شبه ای باقی نماند.

هنگامی که سخن از آزادی زن بمیان می آید روشنفکران دینی ملقمه ای را به مخاطب ارائه میدهند که او تا مدتها در جدل فهم گفته آنان میماند! اما اصولاً "همگی آنان در جنس دوم بودن زن اشتراک عقیده دارند؛ - حتی زنان روشنفکر مذهبی همچون اعظم طالقانی" گوهر دستغیب و مریم رجویی - زیرا استناد ایشان اشاره صریح قرآن است که: زن بخاطر مرد و (نه مستقلاً) آفریده شده پس عملاً نمیتواند انسانی آزاد باشد. مثال روشن دیگر آیه ۲۲۳ سوره بقره است که زن را نه بعنوان همسر که مثابه "کالا" بی تحت بهره برداری مالک (شوهر) آنها مالکی بی انصافی(!) میشناساند.

### آیه ۲۲۳ سوره بقره

"زنان شما کشتزار شمايند به کشتزار خود آنگونه که میخواهید وارد شوید."

مکمل حقوق اسلامی زن آیه سوم سوره نساء است که چنین میگوید:

### آیه سوم سوره نساء

از زنان هر چه خوش دارید بگیرید  
دوتا دوتا (۲\*۲=۴) و سه تا سه تا و چهارتا چهارتا بگیرید.

آیت الله محمود طالقانی - روشنفکر دینی - نیز به دیده تصمین به این آیه مینگرد:  
"این آیه با بلاغت خاصی هم ازدواج را محدود کرده (!) هم راه تعدد تا چهار را باز گزارده و تجویز کرده است" (کتاب چهارم ورق ۱۷). طالقانی همچون پیامبر اسلام "زن از دنده کج خلق شده!" (۲۸۷ نهج الفصاحه) معتقد است که مردان بر زنان برتری دارند آنها بخاطر نقص فیزیکی زنان زیرا بنظر وی سلسله ارگانهای بدن زن نه بوسيله مغز بلکه بوسيله رحم هدایت میشوند. در واقع سراسر ساختمان درونی و بیرونی و اخلاقی زن در پیرامون جهاز رحم (نه مغز) تشکیل شده و پیوسته از وضع و تغییرات آن متاثر میشود (کتاب دوم ورق ۱۳۴).

او این گونه ادامه میدهد: برای مردان از جهت ساختمان طبیعی و وضع اجتماعی پایه برتریست؛ بر همین پایه مردان تکیه گاه و سرپرست زنانه (کتاب دوم ورق ۱۴۵).

اینکه اسلام اقتضای مختلف اجتماعی را به عناوین مختلف سرکوب کرده و از رشد باز میدارد امری بی دلیل نیست. زیرا تولید کنندگان و روشنفکران اسلامی بخوبی میدانند که انسان آگاه به حق خویش هیچگاه به چدین آکینی گردن نمی نهد؛ اینست که واپس گرایی پیشه کرده اند. این حذف و تبعیض اسلامی تا به امروز نیز ادامه دارد؛ شاهد باید دو مرد مسلمان باشد و اگر دو مرد مسلمان نبود یک مرد و دو زن مسلمان و اگر نبود یک مرد و دو زن غیر مسلمان (طالقانی کتاب دوم ۲۶۸). این تبعیضها در جای جای قرآن به چشم میخورد و در سوره نساء و احزاب بطور برجسته ارائه میشوند.

وقتی چدین تبعیضی به صورت قانون "چند زنی - چیزی که در قرآن توصیه شده (نساء ۳) - به مسابه امر مسلم ارائه شده" سوالی پیش می آید که قرآن چگونه عدالتی را توصیه میکند و آیا اصولاً عدالت بین چند همسر عملی است؟ و جواب: برقراری عدالت در بین چند همسر در اسلام - از خوشبینانه ترین نگاه - تنها جنبه مادی (اقتصادی) دارد زیرا واقعیت آنست که عاطفه نمیتوان در آن واحد بین چند نفر تقسیم کرد. با نگرشی کلی به دیگر تجربه های این مقوله نتیجه ای هویدا می شود:

از هر سوی که به احکام حقوقی زن در اسلام بنگری، یک پای عدالت را لنگ می بینی.

اگر انسانها از هر گروه و نژاد برابر خلق شده اند - که به گفته قرآن نشده اند (سوره محمد ۲۳۵ و نساء ۳۲ و ۳۴) - پس چطور زنان مسلمان حق طلاق - چه رسد به چند شوهری - را هم ندارند؟ زیرا مردان کار اندیش زنانه و برای آنکه خدا بعضی کسان را بر بعضی دیگر برتری داده (نساء ۳۴). روشنگر دینی نیز به تایید می افزاید: ساختمان تولیدی مرد نیروی فزاینده و نامحدود است و زن از جهت نسلی و حالت پذیرایی محدود. از این نظر تعدد زوجات و نامحدود بودن ازدواج از طرف مرد طبیعی و بر طبق جریان خلقت و (حتی) هدف آنست. (آیت الله طالقانی کتاب چهارم ورق ۶۲). اما سوال اساسی اینست که آیا ابداع کننده گان چنین قوانینی با وجود تعدد زوجات (۵۰ و ۵۱ احزاب) و با اعتقاد راسخ به کردار و علاقه وافر به آسایش و نفس خویش خود در زندگی زناشویی کامیاب بوده اند؟ جواب را از زندگی خصوصی محمد میجویم و شکایاتش:

#### ۵۲ نهج الفصاحه

خدایا! از فتنه زنان به تو پناه می برم.

#### ۱۷۹۲ نهج الفصاحه

زنان دام شیطانند.

#### ۵۰ نهج الفصاحه

از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید زیرا شیطان نگران و در کمین است و هیچیک از دامهای وی برای صید پرهیزکاران مانند زن کارگر نیست.

انسان وقتی "از زنان بپرهیزد" را میشوند به یاد آن حکایت آن ملایی می افتد که بهنگام وعظ می گفت: هر کس بچه اش روی فرش ادرار کرد باید آن تکه را ببرد. وقتی ملا خانه آمد دید زنش فرش را رشمه رشمه کرده! ملا با عصبانیت پرسید: زنیکه فرش را به این روز در آوردی؟ زن بیچاره که یک عمر آموخته بود باید از شوهرش اطاعت کند پاسخ داد: خودت امروز میگفتی! ملا فریاد زد: من برای مردم میگفتم نه خودمان!

مشکلات فراوان و درگیریهای خانوادگی در زندگی خصوصی محمد (بیت او) - کسی که حتا "زینب" زن جوان پسر خوانده خود "زید" را از او جدا کرده و - صد البته به فرمان خدا - به عقد خویش درآورده است (۳۶ و ۳۷ احزاب) - بهترین دلیل شکست عملی طرح چند همسریت است که البته در اینجا نیز قرآن چون همه گاه به یاری محمد میشتابد:

#### ۲۰ احزاب

ای زنان پیغمبر! هر که از شما بد کاری مسلم کند عذاب او دو برابر افزون شود.

و حتی شک پس از مرگ هم او را راحت نمیگذارد:

#### **۵۲ احزاب**

نشاید که از پس وی هیچوقت زنان وی را به نکاح آرید که این نزد خدا (گناهی) بزرگ است.

با تمامی این شواهد روشنفکر مذهبی بازهم دست بردار نیست:  
"جلوگیری از تعدد (برای مرد و نه زن) سلب آزادی زن (!!!) و مرد است نه بخشش آزادی به آنها' مگر آنکه قانونگذار  
"بیش از مصلحت عموم خود را قییم خانواده ها بدانند"

انسان از اینهمه آزاد اندیشی حیرت می کند.

افشین زند

جمعه سی ام فروردین ۸۶

[afshin1971@yahoo.ca](mailto:afshin1971@yahoo.ca)